

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۶، سخنان عیسی در مورد «من هستم»، بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این سخنرانی رابرت ای. پترسون در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه ششم، سخنان عیسی در مورد «من هستم»، بخش اول است.

«ما مطالعه خود در مورد الهیات انجیل چهارم را با بررسی دقیق هفت سخن عیسی در مورد «من هستم» ادامه می‌دهیم.

مورد اول در فصل ششم است. بار دیگر، برای تعریف اصطلاحاتمان، «من هستم» گفته‌هایی از عیسی است را با یک حالت فاعلی گزاره‌ای دنبال می‌کند، نان «the» که در آنها می‌گوید «من هستم» و سپس کلمه حیات، نور جهان، دروازه، راه، حقیقت و حیات، چوپان خوب، تاک حقیقی، رستاخیز. من نان حیات هستم.

این یک مورد است، فصل ششم، که در آن عیسی یک نشانه، یعنی غذا دادن به پنج هزار نفر، را با یک موعظه، یعنی گفتمان «من نان حیات هستم» - فصل ششم - ترکیب می‌کند. عیسی از دریای جلیل عبور کرد.

جمعیتی به دنبال او رفتند زیرا نشانه‌هایی دیده بودند. عیسی به کوهی رفت، شاگردانش را جمع کرد و جمعیت زیادی را دید که در حال جمع شدن بودند، و یوحنا اشاره می‌کند که این قبل از عید فصح بود. او شاگردانش را با درخواست نان امتحان کرد.

ما پول کافی برای خرید نان نداریم. جمعیت خیلی زیاد است. و تازه، حساب آن پسر را هم داریم که پنج نان جو و دو ماهی دارد.

عیسی از طریق شاگردانش به مردم دستور داد که بنشینند. حدود پنج هزار نفر، و این موضوع مورد بحث است، اما این ممکن است فقط تعداد مردان باشد. به هر حال، تعداد بسیار زیادی از مردم، هزاران نفر.

عیسی شکرگزاری کرد و نان و ماهی را از طریق شاگردانش تقسیم کرد. ماجرا آنطور که پیتر مارشال گفته بود، نیست؛ عمل بزرگ فداکاری و بخشش پسر جوان، همه را ترغیب کرد که ناهارشان را بیرون بیاورند. نه.

یوحنا به طور خاص می‌گوید که این تلاشی از سوی مارشال است، که ظاهراً معتقد بود انجیل، کشیش سنا یا هر چیز دیگری است، تا ماوراءالطبیعه را کم‌اهمیت جلوه دهد. خب، ما ماوراءالطبیعه را در جایی که نیست نمی‌بینیم. اما وقتی ظاهر می‌شود، آن را انکار نمی‌کنیم.

و این قطعاً یک تکثیر ماوراءالطبیعه از نان و ماهی است. مردم هر چه می‌خواستند خوردند. شاگردان ۱۲ سبد از باقیمانده غذا جمع کردند.

آیه ۱۳. درباره نان. وقتی مردم معجزه‌ای را که او انجام داده بود دیدند، گفتند: «این در واقع همان پیامبری است که قرار بود به جهان بیاید».

اشاره‌ای به تثنیه ۱۸. شاید حدود آیات ۱۵ و ۱۸، جایی که موسی پیش‌بینی کرد که خدا پیامبری مانند او را هنگام ورود بنی‌اسرائیل به سرزمین موعود خواهد فرستاد. آنها نباید به جادوگران و پیشگویان و جادوگران و انواع و اقسام جادوگران و پیامبران دروغین گوش می‌دادند.

آنها باید به پیامبری که خدا می‌فرستد گوش دهند. به نظر می‌رسد این یک ایده جمعی است. همانطور که استاد رابرت وانوی، استاد عهد عتیق، سال‌ها پیش به من آموخت، پیش‌بینی می‌کند که کل نهاد نبوتی اسرائیل، همانطور که پطرس در فصل چهارم اعمال رسولان می‌گوید، در مسیح، خداوند عیسی، که پیامبر بزرگ و نهایی خداست، به اوج خود می‌رسد.

آخرین پیامبر؟ در مورد انبیای عهد جدید چطور؟ آنها فرستادگان او هستند. عبرانیان ۱، ۱ و ۲. آنها انبیای او هستند که تحت رسالت نبوی الهی او در دست راست خدا خدمت می‌کنند.

عیسی دید که می‌خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند. او فرار کرد. او روی آب راه می‌رود.

آیه ۲۲. روز بعد، جمعیتی که در فصل ششم یوحنا آمده است، جمعیتی که در آن سوی دریا باقی مانده بودند، دیدند که فقط یک قایق آنجاست و خواستند بشنوند که عیسی چگونه به آنجا رسیده است. آنها علاقه‌مند هستند.

آیات در انجیل یوحنا و جستجوی مردم برای یافتن آنها پیچیده است. از یک سو، همانطور که دیدیم، در عبارت هدف آمده است که آیات برای برانگیختن ایمان نوشته شده‌اند که به حیات جاودان منجر می‌شود. با این حال، همانطور که عیسی در متی می‌گوید، این نسل شرور است که به دنبال آیه‌ای می‌گردد.

و در آن لحظه، او گفت، شما هیچ نشانه‌ای جز نشان موسی از یونس نخواهید دید. ببخشید. آیا می‌توانیم بگوییم که تجربه او با نهنگ، یک نمونه است، یک رویداد عهد عتیق که، به گفته عیسی، مرگ و رستاخیز خودش را پیش‌بینی می‌کند.

بنابراین، خداوند نشانه‌هایی برای تأیید پیام عیسی و اشاره به شخص او، همراه با «من هستم» که دقیقاً همان کارها را انجام می‌دادند، داد. اما جستجوی نشانه‌ها جدا از عیسی، شاید این طرز فکر باشد، اشتباه است. اینکه آنها را به عنوان نشانه‌هایی که به عیسی اشاره می‌کنند و عیسی را آشکار می‌کنند، در نظر بگیریم درست است.

جستجوی آنها به تنهایی خوب نیست. و او در این فصل، در آیه ۲۶، آنها را سرزنش می‌کند. او کمی پس از آن، سخنرانی خود را آغاز می‌کند.

جمعیت مَتَّا را بالا می‌آورند. چه آیتی می‌آوری، ۶:۳۰، تا ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه کاری انجام می‌دهی؟ پدران ما در بیابان مَتَّا خوردند، همانطور که نوشته شده است. او از آسمان به آنها نان داد تا بخورند.

نقل قولی از نحمیا ۹:۱۵، با نگاهی به خروج و اعداد. خروج ۱۶، اعداد ۱۱. سپس عیسی به آنها گفت: «به راستی، به راستی به شما می‌گویم، موسی نبود که نان را از آسمان به شما داد، بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد.»

، مَنّا و تدارک این غذای ماوراءالطبیعه توسط خدا در طول سرگردانی‌های بیابان، یک نمونه است. نمونه‌ها اشخاص، رویدادها یا نهادهای تاریخی عهد عتیق هستند که تاریخی بوده‌اند و جایگاه و نقشی در تاریخ اسرائیل داشته‌اند. در عین حال، آنها نبوی نیز بوده‌اند.

آنها به مسیح، پادشاهی خدا، شخص و عمل عیسی اشاره داشتند. و در اینجا، مَنّا به مَنّای آسمانی، یا به عبارت دیگر، نان آسمانی اشاره دارد. پدرم نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد.

او درباره خودش صحبت می‌کند. زیرا نان خدا آن کسی است که از آسمان نازل می‌شود و به جهان حیات می‌بخشد. به او گفتند: ای آقا، این نان را همیشه به ما بده.

طبق معمول، وقتی عیسی از ما صحبت می‌کند، به چیزهای زمینی معنایی معنوی می‌بخشد. همانطور که دفعه قبل گفتم، آندریاس کوستنبرگر در کتاب «الهیات انجیل، انجیل یوحنا و نامه‌ها» نوشته زوندروان، سه نماد اصلی را که عیسی به کار می‌برد، بیان می‌کند: نان، آب و نور. خب، همین

نان، آب و نور. این نماد نان است. اما آنها اشتباه متوجه می‌شوند.

آنها آن را به معنای نان فیزیکی می‌دانند. من نان حیات هستم، ۳۶. هر که پس از من آید، گرسنه نخواهد ماند.

هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد شد. اما به شما گفتم، مرا دیده‌اید، و با این حال ایمان نمی‌آورید. هر آنچه پدر به من عطا کند، نزد من خواهد آمد.

هر که نزد من آید، او را هرگز بیرون نخواهم کرد. زیرا از آسمان نازل نشده‌ام تا اراده خود را انجام دهم، بلکه اراده فرستنده خود را. و اراده فرستنده من این است که از هر آنچه او به من داده است، چیزی از دست ندهم، بلکه آن را در روز بازپسین برخیزانم.

زیرا این خواست پدر است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد. و من او را در روز بازپسین زنده خواهم کرد. یهودیان از او گله و شکایت کردند، زیرا گفته بود: «من نانی هستم که از آسمان نازل شده است.»

ضمناً، در زمان اصلاحات مذهبی، منون سیمونز آناپتیست، که مردی مسیحی بود، به لوتر و کالوین حسادت می‌کرد و آنها را تحصیل کرده می‌نامید. این زیبا نبود، اما او انجیل را موعظه می‌کرد؛ اصلاحات رادیکال بسیار متنوع بود و برخی از افراد در آن متعصبان آخرالزمانی بودند که به نام خداوند شهرها را تصرف می‌کردند، ضد تثلیث. منون یک مؤمن سراسر است و تا حدودی فروتن بود، نه یک محقق، اما حداقل در یک مورد مسیح‌شناسی ناقصی داشت.

من نمی‌گویم که او انجیل حقیقی را ندارد. من نمی‌گویم که او نجات نیافته است. او نجات یافته است، و او یک مبشر است.

اما او این سخنان را اشتباه فهمید و گفت که عیسی جسم آسمانی داشت. نه، کالوین می‌گوید، او مانند ما جسم دارد، با این تفاوت که او بی‌گناه است. جسم او، همانطور که همه ما از مادرانمان داریم، از مریم باکره به او رسیده است.

بنابراین، منون این را از او بی. فیلیپس و برخی دیگر از معلمان آناپتیسیت گرفت. خوشبختانه، منونایت‌ها در آموزش اینکه عیسی جسم آسمانی داشته، از او پیروی نکردند. آیا این عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادرش را می‌شناسیم؟ چطور حالا می‌گوید من از آسمان آمده‌ام؟ او می‌گوید، در میان خود غر نزنید، یوحنا ۶:۴۴.

هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید، مگر اینکه پدری که مرا فرستاده است او را جذب کند و من در روز، بازپسین او را زنده خواهم کرد. این در انبیاء نوشته شده است و همه آنها از خدا تعلیم خواهند گرفت همانطور که در اشعیا ۵۴:۱۳ ذکر شده است.

هر که از پدر شنیده و تعلیم یافته باشد، نزد من می‌آید. نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز او که از جانب خداست. او پدر را دیده است.

به راستی به شما می‌گویم، هر که ایمان آورد، حیات جاودان دارد. من نان حیات هستم. پدران شما در بیابان ممتاً خوردند و مردند.

این نانی است که از آسمان نازل شده تا هر که آن را بخورد نمیرد. من نان زنده‌ای هستم که از آسمان نازل شده‌ام. هر که این نان را بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.

و نانی که من برای حیات جهان خواهم داد، جسم من است. او از کفاره خود صحبت می‌کند، اما باز هم آنها اشتباه متوجه می‌شوند. سپس یهودیان در میان خود به مشاجره پرداختند.

یوحنا ۶، ۵۲. چگونه این مرد می‌تواند گوشت خود را به ما بدهد تا بخوریم؟ مسیحیان اولیه توسط بت‌پرستان به آدم‌خواری، فساد اخلاقی و شورش متهم می‌شدند. شورش به این دلیل که آنها یک پادشاه عیسی، را می‌پرستیدند، نه قیصر.

فساد اخلاقی به دلیل ذهن کثیف بت‌پرستان؛ وقتی درباره بوسه مقدس شنیدند، ذهنشان به راه بد رفت. و آدم‌خواری به دلیل همین، به دلیل سوءتفاهم آنها از زبان عشای ربانی. چگونه این مرد می‌تواند گوشت خود را به ما بدهد تا بخوریم؟ عیسی عقب‌نشینی نمی‌کند.

او فقط آن را ضخیم‌تر می‌کند. به راستی، به شما می‌گویم، اگر گوشت پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. هر که از گوشت من بخورد و خون من را بنوشد، حیات جاودان دارد و من او را در روز بازپسین زنده خواهم کرد.

انجیل یوحنا، برخلاف سه انجیل اول، به برگزاری مراسم شام خداوند اشاره‌ای نمی‌کند. اما غیرممکن است که این کلمات را بخوانید و به شام خداوند فکر نکنید. بنابراین، آنچه ما می‌گوییم به معنای برگزاری مراسم شام خداوند نیست.

ضمناً، برخی از محققان منتقد می‌گویند که یحیی یا از شام خداوند خبر نداشت یا ضد مقدسات بود. این فقط عجیب است. در اینجا الهیات شام خداوند، اتحاد با مسیح، معنای اصلی هر دو آیین، غسل تعمید، و شام خداوند، بدون نهاد شام خداوند، آمده است.

هر که از گوشت من بخورد و خون من بنوشد، حیات جاودان دارد و من در روز بازپسین او را زنده خواهم کرد. زیرا گوشت من غذای حقیقی و خون من نوشیدنی حقیقی است. هر که از گوشت من بخورد و خون من بنوشد، در من ساکن می‌شود و من در او

مطمئنناً، اینها کلمات سختی هستند و آنها می‌گفتند، این چه جور معلمی است، آه. گاهی اوقات، او را به تسخیر ارواح متهم می‌کردند.

همانطور که قبلاً گفتیم، در انجیل چهارم هیچ جن‌گیری وجود ندارد. تنها اشاره، شش مورد اشاره به شیاطین در اتهاماتی است که به عیسی نسبت داده شده است. و، قول می‌دهم.

همانطور که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده هستم، هر که از من تغذیه کند، او نیز به من زنده خواهد ماند. این نانی است که از آسمان نازل شده است، نه مانند نانی که پدران خوردند و مردند. هر که از این نان تغذیه کند، تا ابد زنده خواهد ماند.

عیسی این سخنان را در کنیسه، هنگام تعلیم در کفرناحوم، بیان کرد. و همانطور که انتظار می‌رود، در سخنان بعدی، مردم رنجیده خاطر می‌شوند. آنها به دو دلیل رنجیده خاطر می‌شوند.

این چیزهای آدم‌خوارانه، و ببخشید که اشتباه تاریخی او، کالوینیسیم. آگوستینیسیم او. تأکید شدید او بر حاکمیت الهی.

آنها نمی‌توانند تحمل کنند. و ما یک کلمه غم‌انگیز داریم. و دوباره، او عقب‌نشینی نمی‌کند.

او حتی شدیدتر است. ۶۶ از یوحنا ۶. پس از این، بسیاری از شاگردانش، که مسلماً کاربرد وسیع‌تری از این کلمه است، برگشتند و دیگر با او همراه نشدند. سپس او به آن ۱۲ نفر می‌گوید، آیا شما هم می‌خواهید بروید؟ شمعون پطرس، که طبیعتاً رهبر است، پاسخ می‌دهد، پروردگارا، نزد چه کسی برویم؟ تو کلمات حیات جاودان را داری.

و ما ایمان آورده‌ایم و شناخته‌ایم که تو قدوس خدایی. عیسی به آنها پاسخ داد: «مگر من شما دوازده نفر را برنگزیده‌ام؟» منظور این است که شاگردان من باشید. با این حال، یکی از شما شیطان است.

او درباره یهودا، پسر شمعون اسخریوطی صحبت کرد. زیرا او، یکی از آن دوازده نفر، قرار بود به او خیانت کند. من عاشق پاسخ پطرس هستم.

پطرس گفت، مشکلی نیست، پروردگارا. ما الهیات شام خداوند را حتی قبل از اینکه شما در مورد آن صحبت کنید، درک می‌کنیم. ما اتحاد با مسیح را قبل از اینکه شما بمیرید و دوباره زنده شوید و روح را بفرستید، درک می‌کنیم.

مشکلی نیست. او هیچ کدام از اینها را نمی‌فهمید. اما به شخص مسیح چسبیده بود.

او سخنان عیسی را نفهمید، اما آنها را فراخواند تا به او ایمان بیاورند و از این طریق با ایمان به او بپیوندند تا آنچه او انجام می‌دهد برایشان مفید باشد. در نهایت، سخنان او مربوط به تعلیم شام آخر است، اما نه به خود برگزاری شام آخر. من پاسخ پطرس را دوست دارم.

پروردگارا، کجا می‌توانیم برویم؟ تو کلمات حیات جاودان را داری. ما تو را کاملاً درک نمی‌کنیم، و مطمئنناً، ما نمی‌فهمیم چه می‌گویی، اما به تو ایمان داریم. ما به تو ایمان داریم.

ما به حرف شما و به شما ایمان داریم. زیباست. واقعاً زیباست.

بنابراین، اولین چیزی که می‌گویم نان حیات است. و از عیسی به عنوان حیات‌بخش صحبت می‌کند. حتی همانطور که پدران، مَتّا می‌خوردند، زندگی فیزیکی آنها در بیابان حفظ می‌شد.

حتی با اینکه ما هر روز از زندگی‌مان نان می‌خوریم، بالاخره به دلیلی نان عصای زندگی نامیده می‌شود. یا گمان می‌کنم امروزه در سراسر جهان می‌گویید، برنج ممکن است بیشتر عصای زندگی باشد. همانطور که برنج و نان انسان‌ها را زنده نگه می‌دارند، عیسی زندگی معنوی را زنده نگه می‌دارد.

او حیات‌بخش است. او همان نان حیات است. و انسان با ایمان، با ایمان به او و کار نجات‌بخشش که هنوز در انجیل چهارم آشکار نشده است، به او ایمان می‌آورد، او را می‌خورد.

عیسی نور جهان است. این مفهوم در فصل هشتم معرفی شده است. فکر می‌کنم به اندازه کافی روی آن تأکید کردم.

نان حیات، من نان حیات هستم. من می‌گویم که این با موعظه‌ی نان حیات همخوانی دارد. موعظه و نشانه یکی هستند.

کلمات و معجزات با هم ترکیب می‌شوند. بنابراین، عیسی ابتدا عمل می‌کند و سپس موعظه می‌کند. و غذا دادن معجزه‌آسای او به ۵۰۰۰ یا شاید ۱۵۰۰۰ نفر، اگر ۵۰۰۰ نفر فقط مربوط به مردان باشد، همان مناسبت است.

همانطور که در متن آمده، وقتی شکم‌هایشان گرم است، وقتی سیر شده‌اند، او درباره رضایت معنوی، گرم کردن درونیات از طریق معنویت، اگر بخواهید، صحبت می‌کند، وقتی مردم به او ایمان می‌آورند. و در فصل هشتم، قبل از فصل نهم، عیسی اعلام می‌کند که او نور جهان است. در واقع، پایان فصل هفتم مستقیماً به آیه ۱۲:۸ می‌رسد.

مطالعه‌ی نسخه‌های خطی عهد جدید و استناد به اشارات کتاب مقدس در نوشته‌های پدران کلیسا، همگی علم نقد متنی هستند. و تأثیر آن بر آموزه‌های عهد جدید حداقل است. و در واقع، تنها دو بخش از متن به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

همه، NASB، NIV، ESV، پایان طولانی مرقس در قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌های خطی نیست. و بنابراین آن را دارند، اما آن را شامل می‌شوند، اما یادداشتی در این مورد دارند. به همین ترتیب، آن زن در حین زنا دستگیر شد.

مردم فکر می‌کنند که این چیزی نیست که یوحنا ساخته و پرداخته کرده باشد، بلکه واقعاً اتفاق افتاده است، اما در برخی از نسخه‌های انجیل یوحنا چنین چیزی وجود ندارد. در انتهای انجیل لوقا آمده است. به گمان من، در انتهای انجیل یوحنا آمده است.

اینجا ظاهر می‌شود. و بنابراین چیزی که من سعی دارم بگویم این است که به عنوان بخشی از کتاب مقدس تعلق ندارد زیرا دوباره در قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌های خطی نیست. و بنابراین ۷:۵۲ مستقیماً به ۸:۱۲ می‌رسد.

من نور جهان هستم، ۸۱۲. هر که از من پیروی کند، در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور حیات را خواهیم داشت. و عیسی در مورد کارش به این شهادت می‌رسد، که در آن می‌گوید، می‌دانید چیست؟ من به تنهایی شهادت نمی‌دهم.

، همانطور که در فصل پنجم گفت، عهد عتیق، یحیی تمعید دهنده، معجزات من و بیشتر شهادت پدر، همه بر من شهادت می‌دهند. اما می‌دانید چیست؟ من حقیقت را می‌گویم و با سایر شاهدان، به ویژه پدر، موافقم. ما طبق قانون، دو شاهد می‌آوریم.

آنچه من می‌گویم درست است. بنابراین، او آن موضوع را در آنجا مطرح می‌کند، اما در فصل نهم است که او یک بار دیگر، آیه و موعظه را با هم ترکیب می‌کند، آنچه من می‌گویم، تا او را به عنوان نور جهان معرفی کند. دوباره، اگر به ۱۴:۶ برگردیم، او راه، ناجی، او حقیقت است.

این همان دیگری است که می‌گویم و نشان می‌دهد او حقیقت است، وحی کننده‌ی خداست. یک مضمون اصلی، که از قبل بسیار مهم است، در مقدمه است، جایی که کلمه و نور دقیقاً از وحی سخن می‌گویند. او در فصل نهم مردی را می‌بیند که کور مادرزاد به دنیا آمده است.

شاگردان همان الهیات بدی را دارند که رهبران یهودی دارند، وقتی به آن مرد می‌گویند، تو در گناه متولد شده‌ای. من یک بار از یک مسیحی عرب شنیدم که می‌گفت، حتی هنوز در فلسطین، این باورها وجود دارد. که یا مادرت گناه کرده، یا تو در رحم مادر گناه می‌کنی اگر به این دنیا بیایی. کمتر توانمند، به نوعی معلول.

با امکانات متفاوت، بفرمایید. به هر حال، این مرد نابیناست؛ شاگردان نمی‌فهمند چه کسی گناه کرده، آیا او مادرش یا والدینش بوده است. اینطور نیست که این مرد، نه، سه یا والدینش، گناه کرده باشد، بلکه برای این است که آثار خدا در او نمایان شود.

ما باید تا روز است، روی کارهای مردی که آن را برای من فرستاده است، کار کنیم. شب در راه است. آیا این جفای کلیسا است؟ آیا این همان مصیبتی است که کتاب اعمال رسولان به ما می‌گوید برای همه مؤمنان اتفاق خواهد افتاد؟ آیا این همان مصیبت بزرگ است؟ دانستن دقیق آن دشوار است، اما او در سخنرانی‌های وداع، جفا را پیش‌بینی می‌کند.

در هر صورت، من فوراً آن را انتخاب می‌کنم. تا زمانی که در جهان هستم، نور جهان هستم. او اینجا شفای عجیبی دارد.

او تف می‌کند، گل درست می‌کند، آن را روی چشمان مرد می‌گذارد و به او می‌گوید برود و خود را بشوید. به این مرد اعتبار بدهید. او مثل نعمان نیست که می‌گوید، من نمی‌روم و در رودخانه اسرائیل خود را نمی‌شویم.

این مسخره‌ست. جایی که من هستم، رودخانه‌های بهتری داریم. و خدمتکارش او را به این کار ترغیب می‌کند.

این یارو، هی، استخر سیلوئم رو نشونم بده. می‌پریم توش.

من آنجا هستم. و به طرز شگفت‌انگیزی، او می‌بیند که چه اتفاقی افتاده است. او به او می‌گوید.

عیسی کجاست؟ او می‌گوید، نمی‌دانم. من هرگز او را ندیده‌ام. و من قبلاً هم این کار را کرده‌ام.

البته فریسیان او را احضار می کنند و به سزای اعمالش می رسانند. او بی تفاوت نمی ماند. او داستان دقیق آنچه اتفاق افتاده را برایش تعریف می کند.

این مرد از جانب خدا نیست. آیه ۱۶. او سبت را رعایت نمی کند.

ما می دانیم که در روز سبت گفته شده که نباید در روز سبت نابینایان را شفا داد، درست است؟ نه، آنها باید پشتک وارو بزنند و خدا را برای این شفای معجزه آسا ستایش کنند. همانطور که خود آن مرد می گوید، قبلاً هرگز چنین چیزی نشنیده بود.

چطور یک گناهکار می تواند چنین نشانه هایی انجام دهد که آن مرد نابینا را گرفتار کند؟ مرد نابینای سابق می گوید. و بین آنها تفرقه افتاد. پسر، ما این را در هر ۱۲ فصل اول می بینیم.

من به آن نزدیک هستم. دو پاسخ به عیسی در مقدمه 10، 11، پاسخ منفی

یا ۱۳، پاسخ مثبت. و در هر قسمت از کتاب نشانه ها، همین اتفاق می افتد. و سپس، در فصل ۱۵ ۱۲ نکته ای اصلی از راه می رسد.

او به شاگردان می گوید که اگر مرا رد کنند، تو و پیام تو را نیز رد خواهند کرد. اگر کلام مرا باور کنند، کلام تو را نیز باور خواهند کرد.

آیا انتظار نتایج بهتری در استاد داریم؟ ما نیز پاسخ های متناقضی خواهیم داشت. باشد که این مانع از شهادت دادن به انجیل نشود. زیرا خدا در قوم خود عمل خواهد کرد.

تا هر که ایمان آورد نجات یابد. آیه ۱۸، یهودیان باور نکردند که او کور بوده و بینایی خود را بازیافته است. تا اینکه والدین را فراخواندند و به آنها درجه سوم دادند. او پسر ماست.

آنها امیدوار بودند که او بگوید، نه، او واقعاً نابینا به دنیا نیامده بود. او فقط کمی، خب، خیلی خوب نمی دید، اما نه، او نابینا به دنیا آمده بود. و همانطور که قبلاً گفتم، اگر از او بپرسید، او به سن قانونی رسیده است.

آنها نمی خواستند از کنیسه بیرون انداخته شوند. برای بار دوم آن مرد را صدا زدند، همان مرد نابینای سابق. او اجازه داد که آنها [چیزی] را داشته باشند.

او طرف عیسی است. من هنوز عیسی را ندیده ام، اما او فقط سپاسگزار است. او مثل آن نه جذامی نیست.

او واقعاً سپاسگزار است. و او قصد دارد از عیسی در برابر این احمق هایی که نمی توانند بینی خود را ببینند دفاع کند. ما می دانیم که خدا به گناهکاران گوش نمی دهد.

از آغاز جهان، آیه ۳۲، هرگز شنیده نشده است که کسی چشمان مردی را باز کرده باشد. آنها خیلی دیوانه هستند. شما در گناه متولد شده اید. از اینجا بروید.

آنها او را از کنیسه بیرون انداختند. من عاشق آیه ۳۵ هستم. مثل این است که خدا بعد از هبوط، آدم و حوا را در باغ عدن جستجو می کرد.

عیسی شنید که او را بیرون کرده‌اند. وقتی او را پیدا کرد، گفت: «آیا به پسر انسان ایمان داری؟» «به یاد داشته باشید، او هرگز عیسی را ندیده است. من عاشق این مرد هستم»

او فقط خمیری در دستان عیسی است. او کیست، آقا، تا من به او ایمان بیاورم؟ شما به من بگویید، من ثبت نام خواهم کرد. وای، باورنکردنی است

اوه، اینکه در دستان عیسی مسیح باشی چیز خوبی است. من از مؤمنان شنیده‌ام که می‌گویند، من خیلی سپاسگزارم که مسیحیان آمدند، در خانه‌ام را زدند و درباره عیسی به من گفتند. چون اگر فرقه‌گرایان می‌آمدند، فکر می‌کنم ممکن بود از آنها پیروی کنم

یک روح ساده‌لوح، یک روح شیرین، اما تأثیرپذیر. با علم به نقطه ضعف خودش. این را بارها شنیده‌ام

و این مرد، او در دستان خوبی است. او در دستان عیسی است. شما او را دیده‌اید

تو او را دیده‌ای. اوه، من عاشقش هستم. مثل سرودهای مذهبی فانی کرازپی است

تقریباً همه آن را دیده‌اند. او نابینا به دنیا نیامده بود. او نابینا شد، اشتباه یک پرستار

و در هر سرود، او از دیدن عیسی شادمان می‌شود. به هر حال، تو او را دیده‌ای. اینها کلمات شگفت‌انگیزی هستند

این اوست که با شما صحبت می‌کند. من این را دوست دارم. به شما گفتم، بیشتر سجده در برابر عیسی در انجیل‌ها پرستش نیست

این مردم ناامید هستند که در مقابل یک معجزه‌گر به اصطلاح، سجده می‌کنند و برای کودک، برای بنده‌ی محبوبشان طلب رحمت می‌کنند. آنها در حال پرستش نیستند. آنها تصویری ندارند که او خداست، به خاطر پیت

اما او به نوعی وسیله‌ای برای خداست. این مرد، به نظر من پرستش است. حتی همانطور که توماس در فصل 20 او را می‌پرستد، فکر می‌کنم، پروردگارا، من ایمان دارم

و او را پرستش کرد. این شگفت‌انگیز است. زن سامری برای پرستش عیسی در خارج از اورشلیم منتظر کتاب اعمال رسولان نماند

چون او انجیل است و او به او ایمان دارد. و این خنده‌دار است. او می‌رود و به مردان می‌گوید، مردی پیش تو می‌آید که هر کاری که تا به حال انجام داده‌ام را به من گفته است

او یک خانم مشکوک و بدنام است. آنها به عیسی گوش می‌دهند زیرا او گذشته گناه‌آلود او را بدون اینکه خودش به او بگوید، آشکار کرده است. اما بعد از اینکه عیسی مدتی با آنها ماند، گفتند: «ما دیگر به خاطر حرف تو ایمان نمی‌آوریم»

اما ما خودمان شنیده‌ایم. و می‌دانیم که او منجی جهان است. چقدر طعنه‌آمیز است

چقدر این رسم خداست. سامری‌ها خیلی قبل از کتاب اعمال رسولان، عیسی، منجی جهان را اعلام می‌کنند و خیلی قبل‌تر از آن، خدا در کورنلیوس و پطرس کار می‌کند تا آن چیز را به هم پیوند دهد و انجیل را به غیریهودیان برساند.

بله، دورگه‌ها و مرتدان آریایی به خاطر عیسی و سخنانش ایمان می‌آورند. به آن زن و به آن مردم. و بعد این کلمات مرموز را دریافت می‌کنیم.

خداوندا، من ایمان دارم، و او را پرستش کرد. عیسی گفت، برای داوری، من به این جهان آمده‌ام. این یک تناقض ظاهری در فصل سوم است.

خدا پسرش را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند. و علاوه بر این، فکر می‌کنم در فصل ۱۲، همین موضوع را می‌بینید. اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ انگیزه اصلی پدر از فرستادن پسر، نجات است.

اما درست مانند مبلغان مذهبی، یکی از محصولات جانبی خدمت نجات‌بخش آنها داوری است. بنابراین، ای عیسی، داوری در اینجا بیشتر به معنای جدایی یا تبعیض است. برای داوری، من به جهانی آمده‌ام که کسانی که نمی‌بینند، ببینند.

اوه، او در مورد بینایی فیزیکی صحبت می‌کند، درست است؟ او آن را به مرد نابینا داد. بله. اما آیا او در مورد چیزی بیش از این صحبت می‌کند؟ یک لحظه صبر کنید.

و تا کسانی که بینا هستند، کور شوند. این به معنای واقعی کلمه نیست. هیچ نمونه‌ای از اینکه عیسی کسی را کور کرده باشد، وجود ندارد.

اوه، پولس کسی را در جزیره پافوس کور کرد. من دیگر متوجه منظورش نشده‌ام. به هر حال، پولس در سفرهای تبلیغی خود، یک پیامبر دروغین را کور کرد.

عیسی هرگز کسی را کور نکرد. نه، این زبان مجازی است. اگر بخواهید، این زبان روحانی است.

استعاری. برای داوری، من به جهانی آمده‌ام که کسانی که نمی‌بینند، کسانی که نیاز معنوی خود را در نور من تشخیص می‌دهند، وقتی نور جهان بر آنها می‌تابد، و خدا آشکار می‌کند، وحی‌کننده‌ی خدا، خدا را بر آنها آشکار می‌کند، آنها تسلیم می‌شوند، اعتراف می‌کنند، توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند. و آنها می‌بینند.

و کسانی که می‌بینند ممکن است کور شوند. کسانی که ادعا می‌کنند می‌توانند، جدا از من، نور جهان را ببینند. اوه، او درست علیه رهبران صحبت می‌کند.

شاهد الف، مرد نابینا، مرد نابینای سابق. شاهد ب، رهبران یهودی. این موضوع در تمام این فصل وجود داشته است.

حالا او این کار را در سخنانی مرموز خود انجام می‌دهد. برخی از فریسیان نزدیک او این چیزها را شنیدند. آیا ما هم کور هستیم؟ ما که بی‌کفایت نیستیم، هستیم؟ ما بزرگان هستیم.

ما مسئولیم، و از این جور حرف‌ها، و از این جور حرف‌ها. دارند از این کلمه جور دیگری استفاده می‌کنند. از این کلمه دلخور شده‌اند.

اگر کور بودی، نیاز خود را در پرتو مکاشفه من از پدر می‌دیدى. اما اکنون که ادعا می‌کنی می‌توانی ببینی، محکوم به فنا هستی. عیسی در این انجیل از هیچ چیز ابایی ندارد.

آیا ما هم کوریم؟ اگر کور بودید، گناهی نداشتید. اما حالا می‌گویید ما می‌بینیم. معنا جدا از من، نور جهان است، گناه شما باقی است.

راهی که حقیقت و حیات، معانی را خلاصه می‌کنند، سه معنای هفت ایامب. راه، عیسی تنها نجات‌دهنده است. و این خود ۱۴:۶ است.

راه ورود به خانه آسمانی پدر. هیچ کس جز از طریق عیسی به آنجا نمی‌رسد. سوار بر جاده‌ای که عیسی است.

دروازه، دومین آیه از کتاب مقدس است که نشان می‌دهد عیسی راه و نجات‌دهنده است. حقیقت، خود آیه ۱۴:۶. او یک آشکارکننده است.

او حقیقت را می‌گوید. در فصل نهم، او آشکارکننده است، زیرا نور جهان است. در مقدمه معرفی شده و در فصل نهم به زیبایی با ترکیب آیه و موعظه توسط عیسی آغاز می‌شود.

دروازه، فصل ۱۰. به راستی به شما می‌گویم، ۱۰:۱، کسی که از در وارد آغل بافه نشود، بلکه از راه دیگری بالا رود، دزد و راهزن است. آیا او درباره رهبران یهود صحبت می‌کند؟ عهد عتیق مطمئناً چوپانان دروغین داشته است، و حزقیال فقط آنها را سرزنش می‌کند.

کسی که از در وارد می‌شود، چوپان گوسفندان است. دربان در را به روی او می‌گشاید. گوسفندان صدای او را می‌شنوند.

او گوسفندان خود را به نام می‌خواند و آنها را بیرون می‌برد. وقتی همه گوسفندان را بیرون می‌آورد، او پیشاپیش آنها حرکت می‌کند. و گوسفندان از او پیروی می‌کنند، زیرا صدای او را می‌شناسند.

آنها از غریبه‌ها پیروی نمی‌کنند. من و همسر من سال‌ها پیش به آنجا سفر کردیم؛ در قسمتی از یک کلیسا بودیم که مردی در آن مزرعه کوچکی داشت و گوسفند داشت. و من از آنجا چیزهای زیادی در مورد مزبور و یوحنا ۱۰ یاد گرفتم ۲۳.

و تقریباً اینجوری پیش رفت. گفت به قوچ پشت نکن. فکر می‌کنه داری به حرمراس حمله می‌کنی و بهت. حمله می‌کنه.

خب، من پشتم را نکردم. چرا گوسفندها شماره داشتند؟ او می‌گوید، خب، ما قبلاً برایشان اسم می‌گذاشتیم. و خوردن امیلی برای شام کمی سخت بود.

خب حالا که ۲۳ و ۴۷ و از این جور چیزهاست. و آیا صدایت را می‌شناسند؟ دارم به این فکر می‌کنم. صدای من و پسر بزرگم را می‌شناسند.

بقیه بچه‌ها هنوز صدای آنها را نمی‌شناسند. اصلاً به آنها گوش نمی‌دهند. این من نیستم، این قابل توجه است.

و ضمناً، مزمور ۲۳ می گوید اگر آب را در آبشخور می ریختی، آن را نمی نوشیدند. باید بی حرکت می بود. آنها به راحتی می ترسیدند.

متأسفانه، آنها باهوش ترین دانش آموزان کلاس هم نیستند. به هر حال، آیه هفتم. به راستی، به راستی، به شما می گویم، من در گوسفندان هستم.

اگر آیه ۱۴:۶ می گوید، عیسی راه است، جاده ای به سوی خانه آسمانی پدر با اتاق های بسیار. اگر بخواهید این تصویری از بهشت است. از نظر زمینی، او مسیح روی زمین است که به بهشت هدایت می شود.

در این فصل از باب ۱۰، «در گوسفند» تصویری زمینی است. عیسی ورودی آغل گوسفندان است. تصویر عهد عتیق.

خداوند شبان ماست، شبان من است؛ من محتاج به هیچ چیز نخواهم بود و غیره. اسرائیل گوسفندان است. شبانان آنها، خدا، از آنها خشمگین هستند.

و حزقیال، او گوسفندان را چوپانی خواهد کرد زیرا آنها بسیار وحشتناک هستند. آنها گوسفندان را پشم چینی می کنند. آنها گوسفندان را رها می کنند.

آنها از گوسفندان محافظت نمی کنند. آنها گوسفندان را می خورند. آنها گوسفندان را از بین می برند و اجازه می دهند حیوانات دیگر گوسفندان را بگیرند.

من چوپان هستم. در اینجا، عیسی می گوید، من در گوسفندان هستم. همه کسانی که پیش از من آمدند دزد و راهزن بودند.

نه در مورد پیامبران. برخی از محققان فکر می کنند که او در مورد پیامبران دروغین و مسیح های دروغین صحبت می کند. او ممکن است دوباره در مورد رهبری یهود صحبت کند.

اما گوسفندان به آنها گوش ندادند. من در هستم. هر که از من وارد شود، نجات خواهد یافت و به درون و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت.

من یک کالونیست توبه نکرده هستم. آها، بعضی از ارمنی ها گفته اند که من برادران و خواهران ارمنی ام را در مسیح دوست دارم. واقعاً همینطور است.

اگر کسانی را که به آنها درس داده ام می شناسید، این را به شما خواهند گفت. در هر صورت، هر چه می گوید، بروید داخل و هر چه می گوید. آه، قرار است کنترلتان را از دست بدهید، درست است؟ نه، نه این زبان گوسفندانی است که برای تغذیه و غیره به آغل می روند و از آن خارج می شوند.

صحبت از از دست دادن رستگاری نیست. در واقع، کمی بعد در این فصل، قوی ترین کلمات در تمام انجیل ها این است: من به آنها حیات جاودان خواهم داد.

آنها هرگز هلاک نخواهند شد. این فقط یک یونانی خیلی خیلی قوی است. به هر حال، دزد فقط برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن می آید.

من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و آن را به وفور داشته باشند. سپس او به تصویر چوپان خوب که در فصل ۱۰ می‌گوییم، روی می‌آورد. من دروازه هستم، تنها راه ورود به قوم زمینی خدا

اگر بخواهید، او دروازه کلیسا است. او دروازه قوم خداست. قوم خدا در عهد عتیق گوسفندانی بودند که خدا به هر حال شبان اصلی آنها بود.

و تعدادی چوپان خوب بودند، اما بسیاری از آنها خوب نبودند. انبیا و غیره، و کاهنان. حال، آن آغل گوسفندان، اسرائیل جدید است، و عیسی در گوسفندان است.

او ناجی جهان است. او چوپان خوبی است. من به شما گفتم، قبلاً هم گفتم که حقیقت و زندگی، هفت هفته‌ی من را در سه دسته خلاصه می‌کنند، چون این سه دسته وجود دارند.

دو نفر از آنها دروازه نجات را به گوسفندان، راه آغل گوسفندان به خانه آسمانی پدر را نشان می‌دهند. هیچ کس جز من به نزد پدر نمی‌آید. دو نفر از آنها نشان می‌دهند که او حقیقت است.

گفته‌ی ۱۴، خود آیه‌ی شش، و باب نهم. او نور جهان است. تمام پنج آیه‌ی دیگر نشان می‌دهند که او کسی است که حیات جاودان می‌بخشد.

او نان حیات است. شما او را با ایمان می‌خورید. شما حیات روحانی، حیات جاودان، را دریافت می‌کنید.

او رستاخیز و حیات است. این کاملاً واضح است. او تاک حقیقی است که به شاخه‌ها حیات می‌بخشد.

او چوپان خوبی است. حالا، یک دقیقه صبر کنید. چوپان خوب جانش را برای گوسفندانش می‌دهد.

درست است. اما تا جایی که به حرف من مربوط می‌شود، او چوپان خوبی است که حیات جاودان می‌دهد و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. من چوپان خوبی هستم.

من گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند. همانطور که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم و جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌کنم. من گوسفندان دیگری هم دارم که از این گله نیستند.

او درباره غیریهودیان صحبت می‌کند. این قابل توجه است. من باید آنها را نیز بیاورم و آنها به صدای من گوش خواهند داد تا یک گله، یک شبان وجود داشته باشد.

در اینجا، او در مورد وحدت کلیسا تعلیم می‌دهد، که برای آن در فصل ۱۷ نیز دعا می‌کند. به همین دلیل پدرم مرا دوست دارد زیرا من جان خود را می‌دهم تا دوباره آن را به دست آورم. هیچ کس آن را از من نمی‌گیرد.

من به میل خودم آن را می‌گذارم. من اختیار دارم آن را بدهم. من اختیار دارم دوباره آن را به دست بگیرم.

این مسئولیت را از پدرم دریافت کردم. همانطور که در فصل ۲ گفتم، اینجا در فصل ۱۰، به طور منحصر به فرد در تمام کتاب مقدس. بله، درست است.

عیسی خودش را بزرگ می‌کند. معمولاً پدر، پسر را بزرگ می‌کند. چند بار، روح وارد عمل می‌شود.

فقط در یوحنا ۲ آمده است که این معبد ویران خواهد شد و من آن را در سه روز دوباره برپا خواهم کرد. او از معبد بدن خود صحبت می‌کرد. پس از رستخیز او، شاگردان کتاب مقدس و سخنان او را به یاد آوردند و ایمان آوردند.

اینجا جانم را می‌دهم و دوباره آن را به دست می‌گیرم. البته او مخالف پدر نیست. او می‌گوید پدر به او اجازه این کار را داده است.

او به عنوان پسر مجسم، مطیع پدر است. اما در اینجا، مانند یوحنا ۲، ما از الوهیت مسیح یاد می‌گیریم، که مرگش قطعاً در [هویت] او بسیار مهم است؛ انسانیت او قطعاً در مرگش بسیار مهم است. او خود را برمی‌خیزاند.

من جانم را می‌دهم. دوباره آن را به دست می‌گیرم. جای تعجب نیست، یک تفرقه وجود دارد.

دو پاسخ. ۱۹، دوباره به خاطر سخنان او بین یهودیان اختلاف افتاد. او دیو دارد.

او دیوانه است. چرا به حرفش گوش دهیم؟ دیگران گفتند که این سخنان کسی نیست که توسط دیو سرکوب شده باشد. آیا دیو می‌تواند چشمان نابینا را باز کند؟ آیا شیطان علیه شیطان عمل می‌کند؟ شاید پژواک‌هایی از متی ۱۲.

عیسی در ایوان سلیمان قدم می‌زند. موضوع همان است. تا کی ما را در تردید نگه می‌داری؟ یوحنا ۲۴: ۱۰.

اگر تو مسیح هستی، صریحاً به ما بگو. او این را نمی‌گوید، اما دقیقاً نشان می‌دهد که چه اتفاقی دارد می‌افتد. چه اتفاقی در انجیل‌های هم‌نوا افتاده است. او قلب آنها را می‌خواند.

من به شما گفتم و شما مرا باور نمی‌کنید. به دلیل فقدان شواهد نیست که باور نمی‌کنید. کارهایی که به نام پدرم انجام می‌دهم، درباره من شهادت می‌دهند.

سیر کردن ۵۰۰۰ نفر با چند نان همبرگر و چند تکه چوب ماهی. داری شوخی می‌کنی؟ شفا دادن یک مرد نابینا، یک مرد کور مادرزاد. اما تو ایمان نمی‌آوری چون جزو گوسفندان من نیستی.

این یک جمله‌ی سخت است. همانطور که قبلاً گفتم، در درجه اول یوحنا می‌گفت، شما گوسفندان من نیستید زیرا ایمان ندارید. بی‌ایمانی بشر، راه اصلی فعلی اوست.

او گناه را معرفی می‌کند. در مورد مسئولیت انسانی بیشتر از حاکمیت الهی در برابر کفر صحبت می‌شود. اما چند بار، ما با طرد شدن روبرو می‌شویم، و این هم از آن.

خداوند، پروردگار سرنوشت همه است. این، مسئولیت و تقصیر انسان را از بین نمی‌برد. و قضاوت بر اساس اعمال مندرج در کتاب مقدس است.

مردم به خاطر گناهانشان به جهنم می‌روند. اما شما این را باور نمی‌کنید چون گوسفند من نیستید. همانطور که قبلاً گفتم، یوحنا سه تصویر از برگزیدگی ترسیم می‌کند.

ما در متن به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت. اما پدر، افراد را به پسر می‌دهد. پسر فقط در یوحنا ۱۶: ۱۵ و افراد را انتخاب می‌کند ۱۹.

و در اینجا، یک هویت پیشینی یا قبلی از قوم خدا وجود دارد. ما آنها را گوسفند می‌نامیم. این مفهوم رایج‌تر از این مفهوم دیگر است، اما وجود دارد.

یک هویت پیشینی یا مقدم برای بزها وجود دارد. شما به من ایمان نمی‌آورید چون گوسفندان من نیستید. او در واقع به آنها می‌گوید که شما برگزیده نیستید.

و این می‌تواند توسط خدا برای تکان دادن آنها، فروتن کردن آنها و سوق دادن آنها به ایمان استفاده شود. اگر او به صورت جمعی صحبت می‌کند، من اینطور برداشت می‌کنم. گوسفندان من، این هویت آنها قبل از ایمان آوردنشان است.

نکته‌ی اصلی؟ نه، نکته‌ی اصلی این است که از این کلمات استفاده نمی‌کند، اما ایده‌ی اصلی همین است. البته کسانی که ایمان می‌آورند، گوسفندان من می‌شوند. یوحنا نود و هشت بار از ایمان به عیسی صحبت می‌کند.

اوه، قضیه پیچیده‌تره. اما خیلی وقت‌ها، خیلی از این مواقع، این کار رو می‌کنه. می‌دونم بعضی وقت‌ها می‌گه مردم باور نمی‌کنن، و از این جور حرف‌ها.

اما توسل به ایمان بسیار طاقت‌فرسا است. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند. این یعنی آنها به او ایمان دارند.

و من آنها را می‌شناسم. او همه را می‌شناسد. نه اینجوری.

او گوسفندان خود را می‌شناسد و گوسفندان او را می‌شناسند. او در آیه ۱۴ می‌گوید، یک شناخت متقابل وجود دارد. این مانند غلاطیان ۴ است. حالا که شما خدا را شناخته‌اید، پولس خودش را اصلاح می‌کند.

منظورم این است که این درست است. یا بهتر بگوییم، شما توسط خدا شناخته شده‌اید. مطمئناً خدا در این موارد ابتکار عمل را به دست می‌گیرد.

همانطور که لوثر گفت، بگذارید او خدا باشد. در مکتب آگوستینوسم خود، این همان چیزی است که او گفت. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند.

آنها به من ایمان دارند. من آنها را می‌شناسم، و آنها از من پیروی می‌کنند. آنها از من اطاعت می‌کنند.

اوه، نه کاملاً، اما آنها از من اطاعت می‌کنند. من به آنها حیات جاودان می‌دهم. من چوپان خوب هستم. همانطور که پنج، چهار مورد دیگر از «من هستم» گفته شده است.

این نشان می‌دهد که او بخشنده حیات است. و بار دیگر، در مقدمه آشکار است که حیات همه چیز توسط او، کلمه، کلمه ابدی، آفریده شده است. و هیچ چیز آفریده شده جدا از او آفریده نشده است.

او به جهان و به انسان‌ها حیات بخشید. او به عنوان نماینده پدر در خلقت، به همه چیز حیات بخشید. و حالا به عنوان پسر مجسم، حدس بزنید چه؟ او به هر کسی که به او ایمان بیاورد، حیات جاودان می‌بخشد.

من طور دیگری می‌گویم. او به قوم خدا حیات جاودان می‌بخشد. هر دوی آنها درست هستند.

آنها هرگز هلاک نخواهند شد. دستور زبان استاندارد و سطح متوسط یونانی توسط آن محقق بزرگ عهد جدید در مدرسه علمیه دالاس نوشته شده است. بله، دنیل والاس

فکر کنم یه پرنده کوچولو همین الان اینو بهم گفت. دنیل والاس نوشته، فوق العاده ست. این گرامر استاندارد سطح متوسط هست، حتی بیشتر از سطح متوسط

او گفت، این قوی ترین راه برای بیان این ایده به زبان یونانی است. آنها هرگز، هرگز هلاک نخواهند شد. من پیشنهاد نمی کنم که شما این طور ترجمه کنید، اما من آن را به این شکل موعظه می کنم و آموزش می دهم

و هیچ کس نمی تواند آنها را از دست من بگیرد. پدری که آنها را به من داده است از همه بزرگتر است. هیچ کس نمی تواند آنها را از دست پدر بگیرد.

من و پدر کسانی هستیم که گوسفندان را حفظ می کنیم و آنها را نجات می دهیم. بنابراین، این سخنرانی را با این فکر به پایان می رسانیم. عیسی، به عنوان یک چوپان خوب، دوباره او را به عنوان دهنده حیات جاودان معرفی می کند.

بله، این مفهوم را با تاریخ رستگاری، رستگاری، رویدادهای تاریخی بزرگ رستگاری مرگ و رستاخیز او ترکیب می کند. اما اینها در خدمت بخشنده بودن حیات جاودان او به تصویر کشیده شده اند

و در سخنرانی بعدی مان، به بررسی گفته های من در مورد تاک حقیقی و رستاخیز و حیات خواهیم پرداخت

این رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه ۶، گفته های عیسی در مورد «من هستم»، قسمت ۱ است»